DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7
«بازخوانی انگیزه‌های فرهنگی وضع حدیث در منابع اهل‌سنت» ـ
رضا نجفی، محمدتقی دیاری بیدگلی
علمی- پژوهشی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال هجدهم، شماره ۷۱ «ویژه پژوهش‌های حدیثی»، تابستان ۱۴۰۰، ص ۱۵۰-۱۸۱

«بازخوانی انگیزه‌های فرهنگی وضع حدیث در منابع اهل‌سنت»

رضا نجفی*
محمدتقی دیاری بیدگلی**

چکیده: منابع روایی اهل‌سنت مملو از روایاتی است که از جهت متن، سند یا هر دو، دچار آسیب شده و اکنون قابل استناد نیستند. انگیزه‌های جعل احادیث پیامبرﷺ متعدد و بسیارند که یکی از مهم‌ترین آنها انگیزه‌های فرهنگی بوده؛ چنانکه زمینه‌ساز بروز سایر عوامل سیاسی – اجتماعی شده است. اگر چه مطالعه و بررسی روایات موضوعه نشان می‌دهد که به جهت تفاوت مصادر حدیث نزد شیعه و اهل‌سنت برخی عوامل و انگیزه‌های جعل و وضع حدیث نیز میان فریقین تفاوت‌هایی دارد؛ اما انگیزه‌های فرهنگی تا حدود فراوانی یکسان می‌باشد؛ البته حجم احادیث موضوعه در منابع اهل سنت بسیار بوده که زاییدهٔ عواملی چون اعتماد به صحابه و همچنین جریان منع نگارش حدیث است. پژوهش حاضر با روشی نقادانه و تحلیلی به بررسی انگیزه‌های فرهنگی وضع حدیث در منابع اهل‌سنت پرداخته و پیامدهای آن را ارزیابی می‌کند. نتایجِ این پژوهش نشان می‌دهد روایاتی که با هدف استحالهٔ فرهنگی مسلمانان وضع شده است، تأثیرات زیادی در تحولات سیاسی و تغییرات اجتماعی داشته است. بنابراین واضعان حدیث با تکیه بر انحرافات فرهنگی، کوشیده‌اند تا فاصله میان رفتار پیامبرﷺ با حاکمانِ دوره‌های بعد را توجیه کنند.

*. عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر (نویسنده مسئول) najafi9487@gmail.com
**. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم mt_diari@yahoo.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

کلیدواژه‌ها: انگیزه‌های فرهنگی؛ وضع حدیث؛ تاریخ حدیث؛ اهل‌سنت.

طرح مسأله

تاریخ اسلام با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده است که کیفیت ثبت و ضبط، آن را به مناقشه‌ای جدّی تبدیل کرده است. در این میان نگارش حدیث و تدوین منابع روایی، از چالش‌های دیگری برخوردار گردید که موضوع را با پیچیدگی‌ها و ابهامات بسیاری مواجه نمود. منع نگارش و تدوین حدیث از یک‌سو و مقوله وضع و جعل احادیث از سوی دیگر، مسلمانان را در شناخت کردار و گفتار معصومین علیهم‌السلام دچار مشکل اساسی کرد. البته تاریخ حدیث نشان می‌دهد که: اولاً شیعه به برکت وجود امامان خود، از این آسیب‌ها به قدر قابل توجهی مصون مانده، اکنون با گذشت قرون متمادی با مشکلات کمتری برخورد کرده است.

ثانیاً اهل‌سنت نیز به سرعت تلاش کردند تا با رفع موانع پیش رویشان در تدوین حدیث، به تقویت منابع روایی خودشان بپردازند. اما مقولهٔ اسفبار جعل حدیث، منابع روایی شیعه و خصوصاً اهل سنت را به طور جدی تهدید می‌کند؛ به گونه‌ای که دانشمندان فریقین علاوه بر تدوین حدیث کتاب‌های زیادی با عنوان «احادیث موضوعه» و با نام‌های مختلف به رشته تحریر درآورده‌اند. آنگاه با تلاش حدیث‌پژوهان شیعه و اهل‌سنت، ده‌ها هزار حدیث عنوان جعلی به خود گرفته و از منابع حذف گردیدند. (ر.ک: معارف، مجید، ۱۳۸۶، ص ۱۸۱)

دانشمندان برای شناسایی احادیث صحیح از سقیم و کشف روایات موضوعه – که به صورت معضلی جدّی در آمده بود – به ناچار باید به پرسش‌هایی جدید پاسخ می‌گفتند که یکی از مهم‌ترین آنها انگیزه‌های جعل حدیث بود؛ چرا که از این طریق می‌شد به احادیث ساختگی دست یافت. این انگیزه‌ها گاه پیچیده، گاه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

ساده‌لوحانه و حتی گاهی خیرخواهانه بوده و از منافع جزئی، کوچک و فردی تا منافع کلانِ سیاسی و حکومتی را در بر می‌گرفته است. (مسعودی، عبدالهادی،۱۳۹۳، ص ۶۵) دانشمندان انگیزه‌های متعددی را برای جعل و وضع حدیث بیان کرده‌اند که می‌توان با رجوع به کتاب‌هایی که در این زمینه نگاشته شده، مطالب فراوان و ارزنده‌ای را یافت. آنان عمدهٔ دلایل جعل حدیث را در قالب انگیزه‌های سیاسی اجتماعی دسته‌بندی کرده، مقولاتی چون غلوّ و انحرافات اعتقادی را نیز از یاد نبرده‌اند. نکته‌ای که شاید بیشتر مغفول واقع شده، این است که به جرأت می‌شود ادعا کرد که ریشه و بنیان تمامی انگیزه‌های وضع حدیث در قالب موضوع فقر فرهنگی قابل بحث و گفتگوست. آمران و جاعلان احادیث موضوعه این نکته را به خوبی درک کرده و از مقوله فرهنگ برای دستیابی به اهداف خود به غایت بهره برده‌اند. اکنون نتیجهٔ شوم این سوءاستفاده به روشنی هویداست.

توجیه بسیاری از انحرافاتی که خصوصاً پس از رحلت نبی مکرمﷺ در محورهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رخ داده است، نیازمند تغییر نگرش فرهنگی مردم نسبت به وقایع صدر اسلام بود. فرهنگ‌سازی برای پذیرش تدریجی بسیاری از تحریف‌ها و دروغ‌ها، در دستورِ کار آمران و واضعان حدیث قرار گرفت. بنابراین می‌توان انگیزه‌های فرهنگی را زیربنایی مستحکم برای جعل حدیث یاد کرد. از این رو باید بررسی شود که دلایل فرهنگی وضع احادیث – خصوصاً در میان اهل سنت – چه بوده و با چه روش‌هایی محقق شده است. نقد و تحلیل پیامدهای شوم تغییرات فرهنگی مسلمانان و همچنین تأثیر آن در سایر زمینه‌های سیاسی اجتماعی، مسأله‌ای است که باید بدان بپردازیم.

پیشینه بحث

تأخیر در تدوین و نگارش حدیث توسط اهل سنت، سه نتیجه تاریخی در بر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

داشت. اول: فقدان بسیاری از روایات نبوی؛ دوم: نقل به معنی در روایات نبی مکرم؛ سوم: جعل و تحریف در روایات رسول خدا. پیش از آن نیز هشدارهای پیامبرﷺ در خصوص تحریف سخنانش، حاکی از وقوع جریانی در وضع و جعل حدیث بوده است. علاوه بر آن در دوره‌های بعد، شاهد بروز همین جریان بوده‌ایم. بخشی از آن به دلیل عدم نگارش و بخشی دیگر به جهت نقل شفاهی و سینه به سینه روایات است. دیری نپایید که در کنار عوامل تاریخی، انگیزه‌های نوظهوری - به اقتضای همان زمان- خودنمایی کردند که موجب رونق بازار جعل روایات شدند. البته نواقص تدوین و نگارش احادیث اهل سنت - بر اساس مبانی فکری خودشان - در قرن سوم هجری تا حدودی رفع گردید که محصول آن ارائهٔ مجموعه‌هایی همچون صحاح ستّه و برخی مسانید بود که در این قرن نوشته شد؛ اما به گواهی تاریخ ضربه‌های جبران ناپذیری به ساحت احادیث نبوی وارد گردید. این مهم چنان بود که گردآورندگان صحاح ستّه به پالایش متون خود پرداختند و آمار شگفت‌آوری را در تاریخ رقم زدند؛ به گونه‌ای که موجب حذف ده‌ها هزار حدیث - به دلایل مختلف - گردید. چنین شرایطی در حقیقت آغازی بر شناسایی و حذف روایات موضوعه بود که بزرگان متقدم اهل‌سنت ثبت کرده‌اند؛ لکن در همین مرحله متوقف نشد.

دانشمندان شیعه نیز با واکاوی احادیث فریقین، کتاب‌هایی با عناوین «وضع و جعل حدیث» نگاشته‌اند که در آنها به ارزیابی و آسیب‌شناسیِ جریان حدیث و بررسی علل و انگیزه‌های جعل پرداختند. بسیاری از نویسندگان و نظریه‌پردازان شیعه، مهم‌ترین دلیل وضع احادیث را انگیزه‌های سیاسی پنداشته‌اند. اگرچه در کنار انگیزه‌های سیاسی به دیگر عوامل همچون انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فرقه‌ای و جز آن‌ها نیز اشاره گردیده است، لکن به نظر می‌رسد سهم انگیزه‌های

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

فرهنگیِ جعل و وضع حدیث مغفول واقع شده است. مجموعه «نقش ائمه در احیاء دین» یکی از این آثار ارزشمند است که علامه سید مرتضی عسکری نگاشته است. در این کتاب بیشتر به دلایل سیاسی و حکومتی وضع حدیث اشاره شده است؛ اما علامه عسکری به این مهم اشاره نکرده است که تغییرات فرهنگی به چه میزان در بسترسازیِ تحولات سیاسی مؤثر بوده است. در سایر آثار مرحوم عسکری نیز مبحث انگیزه‌های سیاسی وضع حدیث با جدیت بررسی شده است. در کتاب «نقش عایشه در تاریخ اسلام» با شرحی دقیق‌تر به فضاسازی فرهنگی در تحولات سیاسی اشاره و فعالیت‌های عایشه ارزیابی شده است.

از میان دانشمندان اهل‌سنت، محمود ابو رَیّه در کتاب «اضواء علی السنة المحمدیة» فصلی را با عنوان «الوضع فی‌الحدیث و اسبابه» قرار داده است. وی با تکیه بر اسرائیلیات به ریشه‌یابی دلایل وضع حدیث پرداخته است. به برخی از واضعین حدیث مانند معاویه، عبدالله بن سبا، کعب‌الاحبار و ابوهریره اشاره و تعدادی از روایات موضوعه را نیز بررسی کرده است. در این کتاب به سایر دلایل جعل و وضع حدیث اشاره چندانی نشده است. دکتر عبدالصمد عابد نیز در کتاب «الوضع و الواضعون فی الحدیث النبوی» به بررسی دلایل وضع حدیث پرداخته است. وی کوشیده تا انگیزه‌های واضعان حدیث را ریشه‌یابی کند، اما نتوانسته خود را از عارضهٔ تعصب رها کند، لذا به اختصار و گذرا از کنار عوامل و دلایل مختلف می‌گذرد. همین عارضه موجب شده تا محمد بوشهبه، حدیث‌پژوه اهل‌سنت، در کتاب «الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر» همهٔ اشکال را متوجّه کسانی سازد که روزگاری از علمای اهل‌کتاب بوده‌اند و سپس به اسلام گرویده‌اند. نویسنده در این اثر، بیشتر به روایات تفسیری پرداخته و سایر روایات موضوعه را بررسی نکرده است.

در همین خصوص، پژوهش‌های ارزشمندی از اساتید و حدیث‌پژوهان کشورمان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

منتشر شده است که مبحث انگیزه‌های وضع حدیث را در ابعاد مختلف بررسی کرده‌اند؛ مانند کتاب‌های: «وضع و نقد حدیث» از عبدالهادی مسعودی، «درسنامه وضع حدیث» از ناصر رفیعی‌محمدی، «فقه‌الحدیث و نقدالحدیث» از داود سلیمانی. در هر یک از این آثار ارزشمند، به بخش‌هایی از دلایل و انگیزه‌های وضع حدیث اشاره و موضوع ارزیابی شده است. به باور نگارنده مقاله حاضر، در این آثار به انگیزه‌های وضع روایاتی که فرهنگ جامعه را نشانه رفته‌اند به صورت پراکنده و با عناوین مختلف اشاره شده است، اما در دسته‌بندی کامل و مشخصی ارائه نشده است.

چه بسا برخی از دلایل که در جعل احادیث نقش داشته‌اند، خود زاییدهٔ انگیزه‌های فرهنگی باشند. به عبارت دیگر به این بخش توجه کافی نشده که جاعلان حدیث یا آمران به جعل حدیث در پی تغییر فرهنگ جامعه اسلامی بوده‌اند. از سوی دیگر با استفاده از ضعف فرهنگی مسلمانان، اقدامات فراوانی را در جهت تغییر سنت‌های نبوی انجام داده‌اند که محصول آن، سرگردانی مسلمانان در یکی از دو مرجع عظیم علوم اسلامی – یعنی حدیث – گردیده است. اشاره به این نکته ضروری است که فرهنگ اسلامی شامل اخلاق، آداب، رسوم، ارزش‌ها، باورها و سنت‌هایی است که رسول خدا ﷺ – بر اساس آموزه‌های وحیانی- آن‌ها را پایه‌گذاری یا اصلاح کرده است. بنابراین انگیزه‌های فرهنگی را می‌توان اساسِ ظهور سایر انگیزه‌های وضع حدیث دانست؛ چرا که جعل و وضع احادیث زمانی ممکن می‌شود که اخلاقیات، باورها، ارزش‌ها و سنت‌های دینی در جامعه بی‌اعتبار شود. در آن صورت، پذیرش احادیثِ بربسته، به راحتی ممکن است؛ چرا که فرهنگ مخاطبان، دچار تغییر و تبدیل شده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

مهم‌ترین انگیزه‌های فرهنگی وضع حدیث در میان اهل‌سنت

۱. دور ساختن مردم از اخلاق و تربیت اسلامی

در نگاهی کلی، فلسفه بعثت نبی‌مکرمﷺ رشد ابعاد اخلاقی و تربیت دینی در میان مسلمانان بوده است. این مهم در روایات مختلف منعکس شده و برخی از آیات نیز به آن اشاره دارد. نقطه مقابل حرکتِ فرهنگ‌ساز و تربیتی رسول‌خداﷺ، در احادیث موضوعهٔ بنی‌امیه و بنی‌عباس به روشنی قابل مشاهده است. تلاش جدی چنین روایاتی نفی حیاء عمومی و تضعیف روابط مبتنی بر تربیت و اخلاق اسلامی است. در این روایات موضوعه، معمولاً شخصیت پیامبرﷺ بسیار تنزّل داده شده و درگیر موضوعات سخیف اجتماعی نشان داده می‌شود؛ روابط زناشویی آن حضرتﷺ به گونه‌ای غیراخلاقی و گاه عامیانه در قالب روایات نقل شده است.

احمد بن حنبل در مسند خود از هشام فرزند عروة بن زبیر از پدرش عروه از امّ‌المؤمنین عایشه چنین نقل می‌کند: «من با پیامبر در یکی از سفرهایش همراه شدم. در آن هنگام من دختری کم سن و لاغر اندام بودم و هنوز چاق نشده بودم. در ضمن سفر، روزی ایشان به اصحابش فرمود: پیش بروید! آنها پیش رفتند. سپس به من فرمود: پیش بیا تا با هم در دویدن مسابقه دهیم! من با وی مسابقه دادم و از ایشان سبقت گرفتم. پیامبر چیزی نگفت. زمان گذشت تا آن که من چاق شدم و جریان مسابقهٔ قبل را نیز فراموش کردم. در سفر دیگری به همراه آن حضرت رفتم. در ضمنِ سفر به دیگر مردم فرمود پیش روید. آنها جلو رفتند. بعد فرمود: پیش بیا تا با تو مسابقه دهم! من با وی در دویدن مسابقه دادم و او از من پیشی گرفت. آن‌گاه شروع کرد به خندیدن و گفت: این به آن! (احمدبن حنبل، ۱۴۰۶ ق، ج۶، ص ۲۶۴)

در این روایت، مزاح پیامبر و همسر جوانش به گونه‌ای غیرمتعارف و مضحک نقل شده است. پیداست که این قبیل روایات با انگیزهٔ تخریبِ فضای فرهنگی و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

روابط اجتماعی جعل شده و نتیجه آن دور ساختن مردم از تربیت اسلامی است. در این روایات جعلی، از یک سو جایگاه اخلاقی پیامبرﷺ در سطحی بسیار نازل نشان داده می‌شود و از سوی دیگر، روابط زناشویی که حریم شخصی آن گرامی است، به دور از تربیت دینی به مخاطب منعکس می‌گردد. در روایتی دیگر در کمال ناباوری، پیامبرﷺ سربازان اسلام را در بیابانی بی‌آب و علف متوقف می‌سازد تا همگان به دنبال گردنبند امّ‌المؤمنین عایشه بگردند؛ حال آن که بنا بر نقل عایشه، پیامبر سر مبارکشان را بر زانوی وی نهاده و آرمیده بودند! این روایت جعلی و سخیف در معتبرترین کتاب حدیثی اهل سنت نیز نقل شده است. (بخاری،۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۸)

این گونه جعلیات که ساحت تربیتیِ فرهنگ اسلام را نشانه گرفته است، عموماً در زمان معاویه ساخته و پرداخته شده تا توجیهی بر روش زمامداران فاسد اموی باشد. (عسکری، سید مرتضی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص۷۳)

۱-۱. پیامدهای فاسد روایاتِ بربستهٔ اخلاقی

بیان هر دو روایت -که به عنوان نمونه ذکر شد- چند پیام غلط را به مخاطب منتقل می‌سازد؛ این پیام‌های اشتباه برای انحراف ذهن مخاطب از ریشه‌های فرهنگی و اخلاقیات اصیل اسلامی کافی است.

۱-۱-۱. سخیف جلوه دادن فرهنگ دینی؛ محصول چنین روایاتی، بی‌ارزش جلوه دادنِ فرهنگ دینی است. نخستین پرسشی که در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد، این است که اساساً چنین آیینی تا چه اندازه صلاحیت دارد تا پیروان خود را به سعادت برساند؟!

۱-۱-۲. تسامح فرهنگی و بی‌مبالاتی رفتاری؛ پیام دیگر این دست روایات ساختگی این است که اگر پیامبرﷺ دچار چنین رفتار و منش اخلاقی است، پس

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

پیروان آن حضرت از بسیاری از قید و بندهای اخلاقی رها خواهند بود. پیامبر اسلامﷺ با همسر جوانش در سفری همگانی به شوخی و مزاح می‌پردازد و امّ‌المؤمنین عایشه همهٔ شرح واقعه را به روشنی روایت می‌کند. چنین روایاتی چقدر با مبانی فرهنگ و اندیشه اسلام اصیل فاصله دارد!

۱-۱-۳. ایجاد تشابه میان فرهنگ سیاسی پیامبر با طواغیت؛ نمونه‌هایی از این دست روایات جعلی به مخاطب می‌فهماند که فرهنگ سیاسی پیامبرﷺ در پاره‌ای از موارد با حاکمان جور و سلاطین یکسان بوده است! آنچه در روایت دوم نقل شده – که مُشتی از خروار است- نشان می‌دهد که حاکم جامعه اسلامی بدون توجّه به مصالح مسلمانان و بدون توجه به شرایط سپاهیان، همه را متوقف می‌کند تا گردنبند همسرش را بیابند! آیا چنین دین و چنین پیامبری با چنین فرهنگی صلاحیت الگو شدن و جهانی شدن را داراست؟

نتیجهٔ روایاتی جعلی از این دست، بدبینی مسلمانان به فرهنگ اسلام و جسارت معاندان نسبت به دین مبین اسلام و پیامبر خاتمﷺ خواهد بود.

۱-۱-۴. واپس‌گرایی و تحجر فرهنگی؛ هدف بسیاری از این دست روایات جعلی بازگشت به فرهنگ منحطّ پیش از اسلام است. به گواهی تاریخ در آن روزگار جاهلی چنان فرهنگ و روابط اجتماعی دچار زشتی‌ها بود که عرصه را بر ترویج فضائل تنگ می‌ساخت. خُلق و خوی عرب بادیه‌نشین با واژه‌هایی همچون سفاهت، حماقت، غرور، خشم و تعصب گره خورده بود. چنین صفات ناپسندی دقیقاً نقطه مقابل تعالیم اسلام و البته مورد تمایل و علاقه جاعلان و مسبّبان جعل حدیث قرار داشت. (ر.ک: جواد علی، ۱۹۶۸م، ج ۱، ص ۴۰)

۱-۱-۵. تحقیر و تضعیف مجدّد جایگاه زن مسلمان؛ روایات فراوانی که با مضامینی همچون بازی و مزاح نبی مکرمﷺ با عایشه نقل شده، هدفی جز تحقیر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

مجدّد زن مسلمان ندارد. اکنون که با بعثت پیامبرﷺ و نزول قرآن‌کریم، زن دارای شخصیت و کرامت گردیده، چه توجیهی دارد که آن حضرت در حضور دیگران با همسر جوانش به شوخی و نشاط بپردازد؟! بازیچه قرار گرفتن زن در فرهنگ عرب پیش از اسلام، موضوعی نیست که پنهان مانده باشد. بر اساس روایتی شخصیت زنان در دورهٔ جاهلی چنان پست بوده که اعراب آنان را در شمار کالایی می‌شمردند که پس از مرگ شوهر به فرزند او از زنان دیگرش می‌رسید. (کلینی، ۱۳۶۲، ج۶، ص ۴۰۶)

۲. تضعیف و تحقیر فرهنگ دینی

۲-۱. تحقیر شخصیت پیامبرﷺ

در این دست از احادیث ساختگی، شخصیت نبی مکرم اسلامﷺ به وسیلهٔ موضوعات بی‌ارزش فرهنگی و اجتماعی به شدّت مورد هجوم قرار می‌گیرد. عادّی جلوه کردنِ برخی از بی‌بند و باری‌های اجتماعی نتیجه چنین روایات مجعولی است؛ آن هم توسط شخصیتی همچون پیامبر اکرمﷺ که اسوهٔ اخلاق در جامعهٔ اسلامی است. روایت جعلی زیر از همین قبیل موضوعات است. عایشه نقل می‌کند: «روز عیدی بود. گروهی از حبشیان به مسجد پیامبر آمده و سخت به رقص و پایکوبی مشغول بودند. پیامبر مرا خواست تا رقص حبشیان را تماشا کنم. من به نزدیکی ایشان رفتم و سرم را بر شانهٔ او نهادم و از آنجا به بازی و رقص خاصّ آنان چشم دوختم. آن قدر این وضع به طول انجامید تا من خسته شده و از تماشا دست برداشتم.» (صحیح مسلم، ۱۴۰۳ق، ج۳، ص۲۲)

این روایت به شکل دیگری نیز نقل شده است: «روز عیدی بود و چند نفر از مردمان سرزمین حبشه به شادمانی و رقص مشغول بودند. اینان به مسجد آمده و طبق رسوم خاصّ خود رقص شمشیر می‌کردند. من از پیامبر درخواست کردم یا اینکه خود آن حضرت پیشنهاد کرد که آیا مایلی که رقص و شادمانی آن‌ها را

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

مشاهده کنی؟ من اظهار تمایل کردم و جواب مثبت دادم. پیامبر من را به دوش گرفت و در حالی که صورت من بر صورت او بود، مشغول تماشای داخل صحن مسجد و رقص شمشیر حبشیان شدیم. آن‌ها رقاصی می‌کردند و من تماشا می‌کردم و پیامبر مکرر می‌فرمود: ای حبشی زادگان! مشغول باشید. این صحنه آن قدر ادامه یافت و من همچنان بر دوش پیامبر بودم تا آن هنگام که خسته و ملول شدم. پیامبر که خستگی مرا احساس کرد، گفت: آیا تو را بس است؟ گفتم: بلی! گفت: پس برو.» (صحیح مسلم، ۱۴۰۳ق ، ج ۳، ص ۲۲)

امّ‌المؤمنین عایشه در جای دیگر می‌گوید: «...بازیگرانی بودند، من به پیامبر عرضه داشتم می‌خواهم و دوست دارم که بازی ایشان را مشاهده کنم . رسول اکرم بر درِ خانه رو به مسجد ایستاد و من هم پشت سر ایشان ایستاده و سرم را روی شانه‌اش نهاده و از میان شانه و گوش او به تماشا پرداختم. آن گروه نیز در مسجد به بازی مشغول بودند.» (همان)

همچنان‌که در این احادیث جعلی مشاهده می‌شود، پیامبر اکرمﷺ و همسرِ ایشان امّ‌المؤمنین عایشه در کمال ناباوری غرق تماشای رقص و پایکوبی حبشیان، آن هم در مکان مقدسی همچون مسجد شدند. چنین عملی بی‌تردید با سیره اخلاقی نبیّ مکرمﷺ و شعائر آیین مقدس هیچ‌گونه سنخیت و هم‌گرایی نداشته و ترویج آن، ثمره‌ای جز تخریب شخصیت ارزشمند پیامبر اسلامﷺ نخواهد داشت.

ابوهریره روایتی نقل کرده که در نوع خود بی‌مثال است و شگفت‌تر اینکه صحیح‌ترین کتاب‌های اهل سنت ناقل آن هستند. محتوای همین احادیث در سخافت و سستی بی‌همتا به نظر می‌رسند و هدفی جز تضعیف فرهنگ دینی صحیح ندارند. در روایتی دیگر ابوهریره نقل کرده که نماز جماعت برپا و صفوف مردم بسته و منظم شده بود. همهٔ مردم پشت سر پیامبر آمادهٔ نماز بودند. آن حضرت در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

محراب ایستاده بود تا آن جماعت را در نماز امامت کند. همه چیز و همه کس آمادهٔ تکبیر امام بود که ناگاه پیامبر به یاد آورد که در حال جنابت است! ابوهریره می‌افزاید: پیامبر به ما فرمود: در جای خود همچنان باشید. سپس به خانه رفت، غسل کرد، آنگاه به مسجد بازگشت و درحالی که از سرش قطرات آب می‌چکید، به محراب رفته و تکبیر گفت و جماعت را امامت فرمود و با هم با او نماز خواندیم. (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص۴۲)

اگر وقوع چنین حوادثی در زندگی پیامبر صحّت داشته باشد، دیگر چه آبرویی برای آن حضرت باقی می‌ماند؟ کسی که با حال جنابت در محراب نماز می‌ایستد و گاهی قرآن را فراموش می‌کند و به آواز دخترکان می‌نازد، چه اعتباری دارد؟ (ر.ک: عسکری، سید مرتضی،۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۴۵)

مشابه چنین روایاتی در منابع اهل سنت فراوان قابل مشاهده است که اعتبار آنها را زیر سؤال می‌برد. آنچه از مطالعهٔ روایات یادشده بر می‌آید، تلاشی مذبوحانه در جهت گسترش فرهنگی منحطّ و جاهلی است، فرهنگی که مبنای آن دگرگونی جایگاه فضائل و رذائل اخلاقی است.

۲-۲. قداست زدایی از احکام اسلام

بسیاری از احادیث جعلی را با انگیزهٔ از میان برداشتن قداست و پاکیِ اسلام و احکام متعالی آن ساخته‌اند. پر واضح است که تخریب و تضعیف دین نیازمند فرهنگ‌سازی و رفع موانع احساسی و روانی طرفداران شریعت است که این انگیزه با روایات ساختگی تأمین شده است. چنانچه جوامع اسلامی توان شناسایی و حذف چنین احادیث و روایاتی را نداشته و ناخواسته از مفاهیم آنها تبعیت کنند، دیگر چه حرمت و ارزشی برای مقدّسات آیین اسلام باقی خواهد ماند؟!

ام‌المؤمنین عایشه نقل می‌کند: «روز عروسی من، پیامبر به خانه ما وارد شد و بر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

روی مکان اختصاصی من در کنارم نشست. دخترکان حاضر در مجلس شروع به خواندن و تنبک زدن کردند. آنان اشعار رایج در عروسی‌ها را می‌خواندند، جز یکی که این شعر را خواند: «فینا نبیّ یعلم ما فی غد». پیامبر فرمود: این سخنان را رها کن، همان شعرهایی را که می‌خواندی بخوان!» (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج۷، ص۲۶)

نیز در یکی از معتبرترین کتاب‌های حدیثی اهل سنت چنین نقل شده که پیامبر در مجلس عروسی ابو اسید ساعدی شرکت کرد. عروس به نزد پیامبر آمد و از شربتی که از شیرینی خرما درست کرده بود برای پیامبر آورد و با دست خودش به آن حضرت خوراند. این نشانهٔ احترامی بود که نسبت به پیامبر داشت. (همان) مشابه چنین روایاتی با مضامین متفاوت و موضوعات متنوع فراوان در منابع معتبر اهل سنت یافت می‌شود.

به فرض صحّت چنین مباحثی - چنان که اهل سنت معتقدند- بسیاری از احکام و آداب دین اسلام در معرض خطر جدّی قرار گرفته و از درجهٔ اعتبار ساقط می‌شوند. توجیه شهوت‌رانی و زن‌بارگیِ خلفای نالایق و دین‌ستیزِ اموی راهی جز جعل احادیث بی‌ارزشی همچون آنچه نقل شد ندارد. گویا سردمداران جریان دین‌گریزی و غاصبان حکومت اسلامی، کوتاه‌ترین مسیر را، تغییر فرهنگ جامعه اسلامی دیده‌اند.

برخی از احادیث موضوعه، همزمان به قداست‌زدایی از رسول‌خدا ﷺ و احکام دین پرداخته‌اند. احکام دین اسلام از حیات پیامبر تا کنون به صورت روشن در منابع روایی و فقهی مسلمانان ثبت شده و ابعاد و آداب احکام واضح است. این روایت ساختگی ابعاد موضوع را مشخص می‌کند: حذیفه نقل می‌کند که پیامبر به مزبله‌ای که در پشت دیوار قرار داشت، رفت و ایستاده بول کرد، سپس آب خواست و وضو گرفت. زشتی و حرمت‌شکنی برخی از واضعان حدیث تا جایی است که

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

حتی در دوره های بعد، شارحان و مترجمان اهل سنت به توجیه و تأویل مفهوم برخی از روایات پرداخته‌اند. (ر.ک: نجمی، ۱۳۶۷، ص۲۵۳) آداب و احکام دین اسلام طی قرون متمادی از فرهنگ غنی مسلمانان حکایت دارد.

۲-۳. ارتقاء منزلت اجتماعی خلفاء

در راستای تأمین سیاست‌های غصب کرسی جانشینی نبیّ مکرمﷺ و برای به حاشیه راندن امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام، احادیث فراوانی ساخته و پرداخته گردید تا از یک سوی فرهنگ عمومی جامعه مسلمانان با اقبال، خلافت خلفاء را بپذیرد و از سوی دیگر توصیه‌های پیامبرﷺ را از یاد ببرد. جریان جعل و وضع حدیث در این دوران چنان شدت گرفت که شأن خلفاء از شأن رسول خداﷺ برتر جلوه داده شد. علاوه بر آن در خلال این دست از روایات جعلی، بسیاری از آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی اسلام به تمسخر گرفته شد. دقت در احادیث نقل شده به خوبی چنین رویکردهایی هدفمند را نشان می‌دهد.

عایشه روایت می‌کند: «پیامبر به اتاق من وارد شد، در حالی که دو دخترک آوازه‌خوان، اشعاری را از عصر جاهلیت و جنگ‌های آن می‌خواندند. پیامبر به اتاق وارد شد و بدون هیچگونه عکس‌العملی بر روی بستر خود دراز کشید. در این هنگام پدرم ابوبکر وارد شد و به محض برخورد با آوازه‌خوانان، با شدت و تندی به من گفت: ساز و آواز شیطانی در محضر پیامبر؟! رسول‌خدا به ابوبکر رو کرد و گفت: رهایشان کن! هر قوم و گروه عیدی دارند و امروز هم عید ما است؛ بگذار بخوانند. پس از این گفتگوها در اولین فرصت که پدرم از آنها غافل شد، به آنها اشاره کردم و آنها از اتاق من به سرعت بیرون رفتند.» (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۲۵) در این روایت، دغدغه ابوبکر در رعایت آداب و شعائر از پیامبرﷺ بیشتر جلوه داده شده است؛ به گونه ای که آن حضرتﷺ بی‌تفاوت از کنار آواز رقاصان می‌گذرد،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

اما ابوبکر با تندی به آنان اعتراض می‌کند! در همین مختصر، نقش معنوی و اعتقادی ابوبکر به مراتب پررنگ‌تر از رسول الله معرفی شده است.

در روایت دیگری نقل می‌کند: «من از پشت سر پیامبر به مسجد نگاه می‌کردم، در حالی که حبشیان به رقص و بازی مشغول بودند. پیامبر به آنها فرمود: ای حبشی‌زادگان! بزنید و برقصید و بازی کنید تا یهود و نصاری بدانند که در دین ما آزادی وجود دارد و اینگونه کارها روا است! حبشیان که از عکس‌العمل پیامبر شادمان شده بودند، گفتند: ابوالقاسم خوب! در این هنگام عمر از درِ مسجد وارد شد. حبشیان از هیبت او ترسیده و هرکدام به گوشه ای گریختند!!» (همان) در این روایت نیز جلال و ابهت خلیفهٔ دوم در برابر پیامبر اکرمﷺ به نمایش گذاشته شده است؛ در برابر پیامبری که نه تنها در مقابل منکر واکنشی نشان نمی‌دهد، بلکه آن را تشویق می‌کند. به عبارت دیگر، پیامبر نه تنها امر به معروف نمی‌کند، بلکه نسبت به منکر بی‌میل هم نیست.

یکی از روایاتی که برای عثمان ساخته شده است، سخنی از ابوهریره است که روزی به حضور رقیه دختر گرامی رسول خدا و همسر عثمان می‌رسد و او در همان حال که شانه به دست داشته به ابوهریره می‌گوید: «پیامبر خدا اندکی پیش، از نزد من بیرون شد. من موهایش را شانه می‌کردم که از من پرسید: ابوعبدالله (عثمان) را چگونه یافتی؟ گفتم: خوب است. فرمود: او را بزرگ بدار که شبیه‌ترین یارانم به من از نظر خُلق و خو است» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲ق، ج ۴، ص ۴۸) این روایت و روایت‌های فراوانی که در بزرگی شأن خلفاء پرداخته شده است، نشان می‌دهد که واضعان احادیث تا چه اندازه برای تغییر نگاه عمومی به شخصیت‌های خودخوانده کوشیده‌اند تا بستر فرهنگی را برای پذیرش دستگاه خلافت هموار کنند. سخافت روایت به حدی است که محدثان اهل‌سنت، خود به نقد و ردّ این حدیث پرداخته‌اند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

بخاری نوشته است که رقیه در روزگار جنگ بدر، سال دوم هجری، از دنیا رفت؛ در حالی که ابوهریره در جنگ خیبر، سال هفتم هجری از وطنش هجرت کرده و به مدینه آمده است. (بخاری، بی‌تا، ج۱، ص ۱۲۹) حاکم نیشابوری با ردّ روایت به دنبال یافتن راوی دیگری برآمده، ولی ناکام مانده است. (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۴۸) نورالدین هیثمی نیز در سند حدیث خدشه وارد کرده و محمد بن عبدالله را در طریق آن «ناشناخته» خوانده است. (هیثمی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۸۱)

تغییر نگرش فرهنگ عمومی جامعه نسبت به جریانات سیاسی و فضیلت تراشی برای خلفاء همین مقدار نبوده و در شکل‌های مختلف و همه جانبه دنبال می‌شده است. معاویه به کارگزارانش فرمان داد تا روایتگران فضایل عثمان و پیروانش را ارج نهند و چون احادیث در این باره فراوان شد، به جعل اخبار در فضایل دیگر صحابه و شیخین دستور داد. او برای آن که احادیث فضایل امام علی علیه‌السلام کم‌رنگ شود، از جاعلان خواست تا اخبار جعلی را به شکل همان اخبار اصلی بسازند. برای نمونه می‌توان به این حدیث مشهور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اشاره کرد که فرمود: «انا مدینة العلم و علی بابها فمن اراد المدینة فلیأتها من بابها» (صدوق، ۱۳۷۳، ج۲، ص ۲۱۱) من شهر دانشم و علی دروازه آن، پس هرکس قصد ورود به شهر را دارد از درش درآید.

در برابر این حدیث مذکور که از فضایل امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده، این روایت را جعل کرده‌اند: «أنا مدینة العلم و ابوبکر اساسها و عمر حیطانها و عثمان سقفها و علی بابها»؛ یعنی: من شهر دانشم، ابوبکر پایهٔ آن، عمر دیوار آن، عثمان سقف آن و علی دروازه آن است.

در این روایتِ بربسته بر نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله چنان به خلفاء پرداخته شده، که شأن و منقبت علی علیه‌السلام در رتبهٔ آخر جای گرفته است. به علاوه ترتیبی که در روایت بیان شده، مانند ترتیب خلفاست که به نوعی به دنبال تأیید تاریخ سیاسی پس از وفات

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است (ر. ک: مسعودی، عبدالهادی، ۱۳۹۳، ص ۷۰؛ رفیعی محمدی، ۱۳۹۰، ص ۶۷) نیز در مورد این حدیث گفته‌اند: «یک شهر می‌تواند در و دیوار داشته باشد، اما سقف داشتن آن غیرمعقول است» (عسکری، سید مرتضی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۲۰۴)

آنچه در این‌گونه احادیث به چشم می‌خورد، شخصیت‌پردازی برای خلفاء و بزرگ‌نمایی آنان در ابعاد مختلف است.

۲-۴. شکستن فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام

علاوه بر فضیلت‌تراشی برای ارتقاء جایگاه خلفاء، به روایاتی برخورد می‌کنیم که گویا هدف اولیه آنها، شکستن حرمت و شأن والای امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. نگاه ژرف و اندیشمندانهٔ آن حضرت علیه السلام چنین شرایطی را پیش‌بینی می‌کرد. ایشان فرمودند: «به زودی پس از من روزگاری بر شما خواهد آمد که چیزی از حقّ پنهان‌تر و از باطل نمایان‌تر و از دروغ بستن بر خدا و رسولش بیشتر نباشد.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷) نمونه چنین روایات ساختگی، پرسش و پاسخ میان محمد بن حنفیه و امام علی علیه السلام است. در این روایت، محمد بن حنفیه از حضرتش علیه السلام درباره بهترین مردم پس از پیامبر خدا می‌پرسد و امام علیه السلام، ابوبکر و عمر را معرفی می‌کند. محمد که از ماجرای عثمان مطلع بوده، ادامه می‌دهد: آیا پس از این دو نفر، تو بهترین هستی؟ امیرالمؤمنین علی علیه السلام پاسخ می‌دهد: «ما انا الا رجل من المسلمین» (بخاری،۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۹۵)

جای بسی شگفتی است که جاعلان حدیث چگونه در کمال بی‌فکری دست به قلم شده و مطالبی را وضع کرده‌اند که نقطه مقابل بسیاری از مسلّمات تاریخی و روایی است. از آن شگفت‌آورتر اینکه چنین روایاتی در معتبرترین کتابهای روایی اهل سنت نقل شده و طی قرن‌ها دست به دست می‌شود، در حالی که خود خلفاء نیز چنین مطالبی را قبول نداشته و در مسیر خلاف آن سخن گفته‌اند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

در روایت دیگری عمروعاص از پیامبرﷺ نقل می‌کند که شنیدم آن حضرت با صدای بلند فرمودند: آل ابی فلان (ابی‌طالب) دوستان من نیستند، دوستان من فقط خداوند و مؤمنان صالح می‌باشند. (بخاری، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص۶) بدیهی است که جاعلان این دست احادیث، کاری با عقیل و جعفر و عباس ندارند، بلکه هدف آنان، تضعیف شخصیت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام است.

ابی داود سجستانی از زبان عبدالله بن عمر نقلی آورده که خواندنی و مایه شگفتی است. وی می‌گوید که در روزگار پیامبرﷺ تنها ابوبکر، عمر و عثمان بر دیگر مسلمانان برتری داشتند و سایر اصحاب پیامبرﷺ مساوی بودند. (سجستانی، ابی داود، ج۲، ص۳۹۷) محمد بن شهاب زهری از عروه بن زبیر از عایشه نقل می‌کند: «من نزد رسول خدا بودم که عباس و علی از دور پیدا شدند. رسول خدا فرمود: این دو تن بر غیر ملّت من یا دین من می‌میرند» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج۱، ص۲۵۸) در روایت دیگری نیز چنین وضع شده است: «من نزد پیامبر بودم که علی و عباس آمدند. رسول خدا فرمود: ای عایشه! اگر دوست داری دو مرد از اهل آتش دوزخ را مشاهده کنی، به این دو تن بنگر که پیش می‌آیند. من نگریستم؛ عباس و علی را دیدم» (همان)

تخریب شخصیت امام علی علیه‌السلام به قدری شدّت گرفت که لعن و سبّ آن حضرت علیه‌السلام رسماً در میان مردم رایج شد. (ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ج۳، ص۹۴) بدیهی است در چنین شرایطی عملکرد حضرتش نیز به عنوان «منکر» مورد نفرت قرار گرفته و متقابلاً عملکرد بنی امیه به عنوان «معروف» شناخته می‌شود.

آیا می‌توان چنین روایاتی را که فقط در مدح خلفاست پذیرفت؟ چه کسی می‌تواند احادیث متعدد و فراوانی را که در منقبت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام ذکر شده نادیده بگیرد و در برابر آن به گفتار ابن عمر در توصیف پدرش دل ببندد! بهترین توجیه چنین سخنان نابخردانه‌ای این است که تحول سیاسی مورد نظر حاکمان به

فضای فرهنگی مناسب نیاز داشت. بدین روی استحاله فرهنگی مهم‌ترین انگیزهٔ سارقان خلافت و هواداران سیاسی آنان بوده است. چه بستری مطمئن‌تر از دروغ بستن به نبی مکرم اسلام ﷺ که سخنانش همواره برای مسلمانان حجّت بوده و هست؟! بسی واضح است که فتوت و عظمت جایگاه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نزد رسول خدا ﷺ و نیز گواهی تاریخ بر بزرگی شأن آن حضرت علیه‌السلام هرگز در لابلای چنین روایات جعلی مفقود نخواهد شد.

جای بسی حیرت است که راوی و دیگر ناقلان چنین حدیثی، امام علی علیه‌السلام را در کنار معاویه یکسان دیده‌اند! از همین نتایج بدیهی، انگیزهٔ جاعلان حدیث در تغییر نگرش عمومی مسلمانان به خوبی نمایان می‌گردد.

۳. ترویج فرهنگ اشرافی‌گری

تاریخ نشان داده که خصوصاً در دورهٔ خلیفه سوم و به موازات آن در دوره خلافت حاکمان فاسق اموی و عباسی، خوی تجمل‌گرایی و اسراف اقتصادی رواج یافت و بخشی از منش غاصبان قرار گرفت. این روش، نقطه مقابل سنت نبوی ﷺ بود که بر اساس ساده‌زیستی، قناعت و عدالت اقتصادی بنا شده بود. راهی نبود جز آنکه سیره و روش پیامبر اکرم ﷺ را تحریف کنند تا همگان بپذیرند که روش خلفای اموی و عباسی تداوم سنت نبوی است. حجم وسیع تحریف‌ها و گسترش احادیث جعلی از همین واقعه تلخ حکایت می‌کند.

خطیب بغدادی از ابی سعید عقیلی نقل می‌کند هنگامی که هارون‌الرشید به مدینه آمد، بر او گران بود با قبای سیاه و کمربند از منبر رسول خدا بالا برود. ابوالبختری گفت: جعفربن محمد از پدرش نقل کرد که جبراییل بر پیامبر فرود آمد، در حالی که بر رسول خدا قبا و کمربندی بود که در آن خنجری قرار داشت (بغدادی، ۱۳۴۹ق، ج۱۳، ص۴۵۲)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

خودخواهی و مشروعیت بخشیدن به تفاخرات و اشرافی‌گری موجب شد تا روایات فراوانی ساخته و پرداخته شود. در برخی از منابع به تعدادی از اشخاص و روایت‌های جعلی آنان اشاره شده است؛ از جمله سیف بن عمرو تمیمی که بسیار کوشیده تا تفاخرات جاهلی را احیاء کند. تحریفات و افسانه‌سرایی از بارزترین خصوصیات این افراد است. (عسکری، ۱۳۷۸، ج۱، صص۸۵-۸۰)

۴. شهوت‌رانی و زن‌بارگی

ترویج فرهنگ شهوت‌رانی و زن‌بارگی یکی دیگر از دلایل فرهنگی جعل احادیث است که در سردمداران فاسد اموی به صورت ویژه شکل گرفت. اکنون لازم بود احادیثی از پیامبرﷺ نقل شود که آن حضرت به اموری چون رقاصی، آوازخوانی و زن‌بارگی علاقمند بوده، یا دست‌کم اعتراضی نداشته است. سیل روایات ساختگی بر نبی مکرمﷺ که با چنین مضامینی نقل شده‌اند، همین مفهوم را به مخاطب القاء می‌کند.

در یکی از این احادیث موضوعه، پیامبرﷺ چنان شیفتهٔ دخترکان رقّاص می‌شود که نه تنها از حضورشان احساس نگرانی و ناراحتی نمی‌کند، که گویا با تمایل و علاقمندی از آنان می‌خواهد تا با همسر جوانش به بازی و شادمانی بپردازند. ام‌المؤمنین عایشه می‌گوید: من عروسک‌هایی درست کرده بودم و با آنها بازی می‌کردم و گاه نیز دخترکان کوچک به منزل ما می‌آمدند و دسته‌جمعی عروسک بازی می‌کردیم. اما هر گاه پیامبر به منزل وارد می‌شد این دخترکان فرار می‌کردند. پیامبر به دنبالشان می‌رفت و آنان را به اتاق باز می‌گردانید و می‌گفت: باشید و با عروسک‌ها بازی کنید! (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج۷، ص۲۵)

چنین روایاتی، توجیه عشوه‌گری و هوس‌بازیِ مسلمان‌نماهایی شد که از صدر اسلام تا کنون ننگ فرهنگ و تمدن اسلامی محسوب می‌شوند. هم اکنون چهرهٔ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

بسیاری از کشورهای اسلامی متأثر از چنین فرهنگی - که از درون همین روایات جعلی برمی‌آید – شکلی متفاوت از هنجارهای دینی یافته است. فاصلهٔ رفتار برخی از مسلمانان با آنچه از اسلام حقیقی می‌شناسیم، به حدی زیاد است که به سختی ردّ پای تعالیم، احکام و هنجارهای شرعی مشاهده می‌شود. چنین خودباختگیِ فرهنگی، بخشی به دلیل تبعیت از همین جعلیات و بخشی به دلیل انفعال در برابر فرهنگ غربیان غیرمسلمان است.

در روایتی دیگر می‌خوانیم که پیامبرﷺ روزی از کوچه‌های مدینه می‌گذشت. زنان و بچه‌هایی که از مجلس عروسی بازگشته بودند، با آن حضرتﷺ برخورد کردند. آنها دست می‌زدند و آواز می‌خواندند. پیامبر به ایشان فرمود: خداوند می‌داند که شما محبوب‌ترین افراد نزد من هستید. (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۱)

سؤال از جاعلان و ناقلان حدیث این است که اگر زنان و کودکان آوازخوان محبوب‌ترین افراد نزد رسول خداﷺ هستند، پس تکلیف متقین و مؤمنین و مجاهدین چه می‌شود؟ سخافت و نادانی از یکایک حروف این حدیث جعلی خودنمایی می‌کند. علاوه بر محتوای کم‌ارزش و غیرمعقول این احادیث، تناقض آنها با دیگر روایاتی که همان منابع نقل کرده‌اند نیز جالب توجه است. به‌طور نمونه به روایت زیر اشاره می‌نماییم که همچنان راوی آن عایشه است. وی می‌گوید: «من بالشی خریدم که بر روی آن تصاویری وجود داشت و آن را به خانه آوردم. هنگامی که پیامبر به منزل آمد، بر آستانهٔ در ایستاد و به اتاق وارد نشد. عرض کردم: من از گناهی که کرده‌ام توبه می‌کنم. فرمود: این بالش چیست؟ عاقبت من بالش را برداشته و به صاحب آن دادم.» (همان، ج ۷، ص ۱۶۸)

تناقض در دو روایت کاملا آشکار است؛ از سوی دیگر هیچ ابهامی در سیرهٔ اخلاقی نبی مکرمﷺ وجود ندارد. این گونه احادیث جعلی است؛ زیرا روایات

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

مخالف آن، از یک طرف، از راویان معتبری چون ابن عباس - که در دو مکتب مورد قبول هستند - نقل شده و از طرف دیگر با اصول و مسلمات قرآن و اسلام موافقت دارند. (ر. ک: عسکری، مرتضی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۸۰)

۵. گسترش تعصبات قومی و نژادی

تلاش صاحبان قدرت و ثروت که در رأس خلافت قرار گرفته بودند، موجب ترویج فرهنگی شد که نتیجهٔ آن اهمیت یافتن بلاد و سرزمین‌ها و جعل روایات در جهت شأنیت بخشی به قومیت‌هاست؛ تفاخر و مباهات به موضوعاتی موهوم که مورد نکوهش فرهنگ قرآن‌کریم و سنت حسنهٔ رسول‌خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. تمایلات شخصی، قومی، نژادی و زبانی و سرزمینی، عاملی قوی در مدح و ذمّ اشخاص و بلاد قرار گرفت. بسیاری از اخباری که نژاد، زبان، منطقه خاص و قبیله معیّنی را با صراحت مدح و یا سخت نکوهش می‌کنند و به پیامبر و ائمه منسوب شده‌اند، در معرض اتهام جعل هستند. (مسعودی، عبدالهادی، ۱۳۹۳، ص۱۴۳) علاوه بر آن پیروان مذاهب تلاش می‌نمودند تا فرقه و مذهب خود را برترین بدانند و دیگران را تخطئه یا تکفیر کنند. صبحی صالح در خصوص انگیزه جعل و وضع احادیث می‌نویسد: «از مهمترین انگیزه‌های جعل حدیث از همان آغاز، نصرت مذاهب به وسیله طرفداران هر کدام از فرقه‌ها بوده است.» (صبحی صالح، ۱۳۶۳، ص۳۳). به طور نمونه به روایت زیر اشاره می‌شود که انس بن مالک از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند: «خداوند روز قیامت سه شهر را از زبرجد سبز می‌کند و به زفاف همسرانشان در می‌آورد: عسقلان، اسکندریه و قزوین» (ابن‌الجوزی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۰۹)

در روایت دیگری چنین نقل شده: «هنگامی که خداوند متعال خشمگین می‌شود وحی را به زبان عربی فرو می‌فرستد، و هنگامی که خشنود است وحی را به زبان فارسی فرو می‌فرستد» (همان، ص۱۵۸) حال آن که ابوهریره در حدیث دیگری که به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

پیامبر نسبت می‌دهد بر خلاف روایت پیشین می‌گوید: «خداوند متعال در خشنودی وحی را به عربی فرو می‌فرستد و هنگامی که خشمگین است، وحی را به فارسی فرو می‌فرستد» (فتنی، ۱۳۴۳ش، ص ۱۱۳)

انگیزه‌های پردازش روایاتی از این دست - که علاوه بر تناقض محتوایی بر خلاف نص قرآن‌کریم و روایات صحیح نیز هستند - دامن زدن به تعصبات قومی و سرزمینی است. قرآن‌کریم انتساب افراد به منطق و شهرها را مایهٔ عزت و سربلندی ندانسته است؛ بلکه تقوا را موجب کرامت و بزرگی می‌داند. «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» (حجرات/۱۳) سخنان پیامبر نیز در این خصوص خواندنی است. آن حضرت ﷺ فرمودند: «کسی که تعصب ورزد یا برایش تعصب ورزیده شود [و بدان رضایت دهد]، حلقهٔ ایمان را از گردن خود باز کرده است» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۰۸) همچنین فرمودند: «هر کسی در دلش به اندازه ذره‌ای عصبیت باشد، خداوند در قیامت او را با اعراب جاهلی بر می‌انگیزد» (همان)

۱-۲. نقد روایات موضوعه

روایاتی که با هدف استحالهٔ اخلاقی و تربیتی وضع شده‌اند، از چند جهت با مبانی اخلاق اسلامی در تقابل‌اند:

۱-۲-۱. تضاد با فرهنگ قرآن

۱-۲-۱-۱. آیات متعددی بر حفظ حریم اخلاقی جامعه تأکید نموده است. آیات قرآن‌کریم، از دو جنبهٔ سلبی و ایجابی، رعایت عفّت عمومی را به اعضاء جامعه اسلامی یادآوری کرده است. (نور/۳۰-۳۱) فلسفه حجاب، عفت و کرامت زن با ظرافت در کلام الهی جاری شده و راه را بر هر گونه تردید بسته است. (نور/۶۰)

۱-۲-۱-۲. در این خصوص خاندان نبوی در اولویت عفّت و پاکدامنی قرار گرفته‌اند. (احزاب/۵۹) خداوند در دستوراتی صریح بر حفظ شؤون فرهنگ اسلامی و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

بایسته‌های اخلاقی توسط همسران رسول‌خدا ﷺ، اهمیت موضوع را تبیین نموده است (احزاب/۳۲،۳۳) چنین روایاتی با حفظ حریم روابط اجتماعی در میان همسران پیامبر ﷺ در تعارض جدّی است.

۱-۲-۱-۳. قرآن‌کریم سایر اعضاء جامعه ایمانی را نیز به حفظ حریم خاندان رسول اکرم ﷺ سفارش می‌کند تا حرمت پیامبر ﷺ و جایگاه رسالت آن حضرت ﷺ محفوظ بماند. (احزاب/۵۳) مردان مسلمان اجازه ندارند به هر شکلی در حریم خصوصی پیامبر ﷺ وارد شوند. این مهم بدون قید یا استثناء نازل شده است. خداوند متعال با یادآوری موارد جزیی بر اهمیت موضوع افزوده است: «وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» (همان)

۱-۲-۱-۴. از پیامبر اکرم ﷺ با اخلاق نیکو یاد شده است (قلم/۴). بعثت پیامبر نویدبخش رحمت و رأفت است تا بایسته‌های انسانی شکل گیرد (توبه/۱۲۸). مسلمانان باید در خصوص رفتار و کردار به آن حضرت ﷺ اقتدا کنند، زیرا حضرتش الگوی رفتاری و نمونهٔ اخلاقی معرفی شده است. (احزاب/۲۱)

این گونه روایات با سیره و رفتار پیامبر ﷺ نیز سازگاری ندارند.

۱-۲-۲. تقابل با سیره عملی پیامبر ﷺ

۱-۲-۲-۱. پیامبر ﷺ، نمونهٔ عملی «خلق عظیم» است؛ آنچه در قالب چنین روایاتی نقل می‌شود، چهرهٔ اجتماعی پیامبر را تخریب و تضعیف می‌کند. سیرهٔ عملی رسول خدا ﷺ جز پاکی و طهارت را گزارش نکرده است. از سعد بن هشام نقل شده که می‌گوید: «از عایشه همسر رسول اکرمر در وصف اخلاق پیامبر ﷺ پرسیدم. او در این باره گفت: آیا قرآن نخوانده‌ای؟ گفتم: چرا. گفت: اخلاق پیامبر ﷺ همان قرآن است.» (فیض کاشانی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۱) در این روایت، اخلاق نبی اکرم ﷺ به قرآن تشبیه شده است؛ یعنی اگر کسی به دنبال نمونهٔ عینی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

و عملی قرآن است، اخلاق آن حضرت را بررسی کند، تا دریابد که چگونه قرآن در اخلاق، بینش، منش و سیرهٔ آن گرامی تبلور یافته است.

همچنین، امیرالمؤمنین علیه‌السلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را الگوی شایسته‌ای برای پیروی معرفی می‌کند، و الگوپذیری از ایشان را برای همگان بسنده می‌داند؛ چنان که می‌فرماید: «روش نبی خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برای الگو بودن تو کافی است. پیامبر در نکوهش دنیا و کاستی‌های آن و رسوایی‌ها و بدی‌های فراوان آن راهنمای تو می‌باشد. پس، به پیامبر پاک و پاکیزه تمسک جوی که راه و رسم او الگویی برای همهٔ الگوخواهان و مایهٔ بزرگواری است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد. دوست‌ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند و گام بر جای پای او نهد. (نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۸۲، خطبه ۱۶۰) امام صادق علیه‌السلام نیز در بیان اهمیت الگوپذیری از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: دوست ندارم مسلمانی بمیرد، مگر اینکه تمام آداب و سنت‌های رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را [اگر چه یکبار] انجام دهد. (صدوق، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۴۶۷)

۱-۲-۲-۲. حیا و پاکدامنی در کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله: علاوه بر رفتار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، کلام آن حضرت نیز سرشار از توصیه‌های اخلاقی و تربیتی است. در این خصوص روایات فراوانی در منابع فریقین به چشم می‌خورد. اسما دختر ابوبکر - خواهر عایشه - به خانه پیامبر آمد، در حالی که جامه‌ای نازک و بدن‌نما پوشیده بود. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روی خویش را از او برگرداند و فرمود: ای اسما، همین که زن به حدّ بلوغ رسید، درست نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر چهره و دست، از مچ به پایین. (ابی داوود، ۱۴۲۰ق، ج۲، ص۳۸۳) از ایشان نقل شده است که فرمودند: «ایمان پیکری است برهنه که لباسش حیاست» (طبرسی، ۱۳۹۲، ص۵۳۸) چنین روایاتی گویای تأکیدات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بر حفظ حریم انسانی و رعایت عفّت است. چگونه می‌توان پذیرفت که آن گرامی در حضور دیگران در کنار همسر خود آرمیده باشد تا آنجا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

که شخص دیگری، زشتی و قباحت این رفتار را به ایشان یادآوری کند!

۱-۲-۳. رکاکت روایات موضوعه

همچنانکه مشاهده می‌شود، برخی از روایاتی که با هدف استحالهٔ فرهنگی و قداست‌شنکنی از ساحت رسول‌خدا ﷺ وضع شده‌اند، از الفاظ یا داستان‌های رکیک بهره گرفته‌اند. بعلاوه ناهنجاری معنا یا غلط‌های لفظ را نیز باید بر ادلهٔ ساختگی بودن چنین روایاتی افزود. در این داستان‌های دروغین، رفتاری بر پیامبر ﷺ منتسب شده است که از مردم عادی نیز قبیح شمرده می‌شود. روایات رکیکی همچون ایستاده بول کردن پیامبر ﷺ از این قبیل است. (نجمی، ۱۳۶۷، ص۲۵۳) بسیاری از این روایات رکیک صرفاً به انعکاس مفاهیم جنسی و مضامین سخیف رفتاری پرداخته‌اند تا فرهنگ عمومی جامعه را تحت تأثیر خود قرار دهند. در این روایات سخیف تلاش شده تا رسول خدا ﷺ به عنوان حامی و علاقمند به رقاصی و پایکوبی زنان معرفی شود.

۱-۲-۳-۱. رکاکت در کلام پیامبر ﷺ؛ حدیث‌شناسان وجود واژگان رکیک در کلام یا مفهوم نقل شده از پیامبر ﷺ را نشانه ضعف یا وضع حدیث می‌دانند. (ادلبی، ۱۴۰۲ق، ص۲۳۱؛ الحاج حسن، ۱۴۰۵ق، ج۲، ص۱۵) خصوصاً آنکه در این روایاتِ بربسته، بخشی از سنت‌ها و رسومی که پیامبر ﷺ پایه‌گذار آنها بوده است، برخلاف تعالیم دین نشان داده می‌شود. به عبارت دیگر این روایات، تناقضی میان قول و فعل پیامبر ﷺ نشان می‌دهد؛ چرا که آن حضرت ﷺ عامل، داعی و منادی برترین سنت‌ها و نیکوترین رسوم بوده‌اند.

۱-۲-۳-۲. رکاکت بر فعل پیامبر ﷺ؛ در برخی از روایات موضوعه، پیامبر ﷺ را به فعلی ناشایست که بر خلاف منش دینی است، متهم می‌کنند؛ افعالی رکیک که از شؤون ملکوتی آن حضرت خارج است. روایاتی که چشم‌چرانی، هرزگی و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

لهو و لعب را وقیحانه بر افعال پیامبرﷺ بار نموده است. منابع اهل‌سنت مملو از روایاتی است که از عایشه نقل شده‌اند و همگی بر افعال رکیک تمرکز دارند.

۱-۲-۴. تناقض با اندیشه پاک بشری و عقلانیت رفتاری

آیات فراوانی در خصوص حجیت عقل نازل شده است. قرآن‌کریم به صراحت عقل را وسیله شناخت خدا (نحل/۱۲)، شناخت معاد (بقره/۷۳)، شناخت کلام حق (زمر/۱۷)، نشانه درایت و ادراک (عنکبوت/۴۳)، ابزار تنبه و پندپذیری (بقره/۲۶۹) و مانند آن شناسانده است. رسول‌خداﷺ فرمودند: «همه خوبی‌ها با عقل قابل درک است و هر کس که عقل ندارد، دین هم ندارد» (حرانی، بی‌تا، ص۴۲) بر همین اساس می‌توان با حکمیت عقل، در بارهٔ اعتبار چنین روایاتی حکم کرد.

احمد بن حنبل در مسند خود روایتی را از بجیله از قول ابن ابی اوفی نقل می‌کند که می‌گوید: «پیامبر در خانه نشسته بود؛ در حالی که کنیزی برای آن حضرت دف می‌زد. ابوبکر اجازه ورود خواست و داخل خانه شد. سپس عمر اجازه ورود خواست و داخل خانه شد. سپس عثمان اجازه ورود خواست. در اینجا کنیز از زدن دف دست کشید. راوی می‌گوید: پیامبر فرمود: عثمان مرد با حیایی است» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق، ص۲۵۳) این روایت که در صحاح نیز وارد شده، با معیارهای عقلی سازگار نیست. چگونه ممکن است که رسول‌خداﷺ که معصوم است و خود از لهو و لعب نهی می‌کند، مرتکب چنین عملی شود؟! چگونه ممکن است که حیای عثمان که فردی عادی است، از پیامبرﷺ بیشتر باشد، به صورتی که کنیز از او حیا کند، اما از رسول خداﷺ حیا ننماید؟ بدیهی است که اینگونه روایات با عقلانیت و اندیشهٔ پاک بشری تناسب ندارد. پیش از این نیز به برخی از این روایات موضوعه اشاره شده که در منابع روایی اهل‌سنت قابل مشاهده است. پیامبری که مأموریت یافته تا معلّم و مبیّن قرآن‌کریم باشد (نحل/۴۴)، از هر گونه زشتی و پلیدی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

به دور است؛ در غیر این صورت به حکم عقل، برای رسالت و نبوت صلاحیت ندارد. چنین روایاتی با هدف تضعیف فرهنگ عفیفانه ساخته شده تا مناسبات رفتار اجتماعی را مطابق میل خودسرانه و هوس‌آلود برخی از حاکمان ستمگر تغییر دهد.

۱-۲-۵. ضعف سندِ روایاتِ بربسته

نقدهای فراوانی به احادیث بربسته وارد شده است که بخشی از آن مربوط به ضعف سند است. وجود راویان ضعیف در سند برخی از این روایات، موضوعه بودن آنها را گواهی می‌دهد. سیوطی کتابی در این خصوص با نام «الاصابة فیما استدرکته عائشة علی الصحابة» نوشته است. وی در این کتاب، روایاتی از ابوهریره نقل می کند که عایشه آنها را نقد کرده و موضوع خوانده است. (رفیعی، ۱۳۹۰، ص۲۱۵) ابن ابی‌الحدید معتزلی روایت می‌کند که امیر المؤمنین علی علیه‌السلام در مورد شخصیت ابوهریره فرمود: «ألا إن أکذب الأحیاء علی رسول الله، ابوهریرة الدوسی.؛ بدانید که ابوهریره بیش از دیگر مردم بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دروغ بسته است.» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۶۸) حاکم نیشابوری در کتابش، المستدرک علی الصحیحین، روایتی از طریق راوی‌ای به نام محمد بن عبدالله نقل می‌کند که ابوهریره بر رقیه دختر رسول خدا وارد شده و مدحی از عثمان شنیده است. نورالدین هیثمی در مجمع‌الزوائد، سند این روایت را مخدوش شمرده، چرا که محمد بن عبدالله در طریق آن را ناشناخته می‌داند. (هیثمی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص۸۱) ابوهریره بیش از پنج هزار حدیث را در کمتر از دو سال مصاحبت رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده؛ چنانکه بارها خلیفه دوم با او برخورد کرده است. (ابوریه، ۱۴۱۰ق، ص۲۰۰)

بسیاری از روایات موضوعه که از رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده و در تغییر فضای فرهنگی، اجتماعی و تربیتی مؤثر بوده است از عایشه سرچشمه می‌گیرد. علامه عسکری در دو کتاب به این مطلب می‌پردازد؛ در کتاب «نقش عایشه در تاریخ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

اسلام» به جزییات زندگانی وی پرداخته و شخصیت ایشان را از جنبه‌های مختلف ارزیابی نموده است. همچنین برخی راویانی که از وی نقل حدیث نموده‌اند، مجهول یا ناشناخته هستند. نیز در کتاب «یکصد و پنجاه صحابی ساختگی» به روایات متعددی اشاره و جنبه‌های سندی آنها را ارزیابی می‌کند.

نتیجه‌گیری

برایند نهایی تحقیق عبارتند از:

۱. بازار وضع و جعل احادیث پس از پیامبرﷺ رونق فراوانی یافت. دو گروه بنی‌امیه و بنی‌عباس سهم فراوانی در رونق‌بخشی به آن داشته‌اند؛ اگرچه دلایل جعل حدیث متعددند اما در این میان انگیزه‌های فرهنگی جدی‌تر به نظر می‌رسد. گویا غاصبان سیاسی جهت همراه نمودن افکار عمومی مخاطبان نیازمند فرهنگ‌سازی بوده‌اند. با مطالعه تاریخ حدیث به نظر می‌رسد حاکمان و دستگاه خلافت به خوبی دریافتند که استحکام پایه‌های حکومت نامشروعشان در گرو برهم زدن مناسبات آیینی و مذهبی است به گونه‌ای که فرهنگی نوین از آن برآید. لذا نخست کوشیدند با دور نمودن مردم از فرهنگ و تربیت اسلامی به اهداف خود دست یابند. اهداف این عملکردِ مسبّبان و جاعلان حدیث به قرار زیر است: سخیف جلوه دادن فرهنگ دینی، تسامح فرهنگی و بی‌مبالاتی رفتاری، ایجاد تشابه میان فرهنگ سیاسی پیامبرﷺ با طواغیت و نیز واپس‌گرایی و تحجر فرهنگی.

۲. عملکرد دیگر ایشان در تضعیف و تحقیر مبانی دینی جستجو می‌شود؛ آنان از یک سو پیامبرﷺ و امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام را تحقیر نمودند و از سوی دیگر به بزرگنمایی شأن خلفاء، بنی‌امیه و بنی‌عباس پرداختند. جاعلان حدیث بدین شکل انگیزه‌های فرهنگی را در خدمت پیشبرد اهداف سیاسی خود قرار دادند.

۳. دلایل دیگری مانند شهوت‌رانی و زن‌بارگی و همچنین گسترش تعصبات قومی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

و نژادی به توجیه عملکرد غلط آنان کمک بسیاری می‌نمود. از این رو روایات فراوانی از منابع اهل‌سنت نقل شده که مع‌الاسف گفتار و کردار سخیفی را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نسبت می‌دهند.

۴. مجموع آنچه بیان شد انگیزه‌ها و دلایل فرهنگی جعل حدیث را نشان می‌دهد. از آن مهم‌تر اینکه از این حقیقت پرده برداشته می‌شود که تغییرات فرهنگی، بسترساز تحولات سیاسی اجتماعی است.

۵. بازخوانی و شناخت انگیزه‌های فرهنگی جعل احادیث واقعیت تلخی را رونمایی می‌کند که اکنون بسیاری از تحولات فرهنگی در جهان اسلام متأثر از همین نگرش خطا به مقوله دین و دین‌داری است که قطعاً برآمده از روایات و احادیث خود ساخته در منابع اهل‌سنت است. نتیجه چنین تأثیرات فرهنگی در تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و همه جانبه ممالک اسلامی به وضوح قابل مشاهده است.

منابع

۱. قرآن‌کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، تهران، انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، ۱۳۷۶، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، شرح نهج‌البلاغه، قم، انتشارات کتابخانه مرعشی نجفی.
۴. ابن‌جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱۴۱۸ق، الموضوعات، ریاض، مکتبه اضواء السلف.
۵. ابن‌حنبل، احمد بن محمد، ۱۴۱۶ق، مسند، دمشق، دارالفکر.
۶. ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد،۱۴۰۸ق، تاریخ ابن‌خلدون، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر.
۷. ابن‌ماجه قزوینی، ابو عبدالله محمد بن یزید، ۱۳۹۵ق، سنن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۸. ابوریه، محمود، ۱۴۱۰ ق، ابوهریرة شیخ المضیره، بیروت، دارالذخائر.
۹. -------- ، ۱۴۱۶ق، اضواء علی السنة المحمدیة، بیروت، منشورات الاعلمی للمطبوعات.
۱۰. ابوشهبه، محمد، ۱۴۰۸ق، الاسرائیلیات والموضوعات فی کتب‌التفسیر، قاهره، مکتبه‌السنه.
۱۱. ابوغده، ابوالفتاح، ۱۴۰۴ق، لمحات فی تاریخ السنه و علوم‌الحدیث، بیروت، المطبوعات‌الاسلامیه.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

۱۲. ابی‌داوود سجستانی، سلیمان بن اشعث، ۱۴۲۰ق، کتاب سنن، قاهره، دارالحدیث.
۱۳. ادلبی، صلاح‌الدین بن احمد، ۱۴۰۲ق، منهج نقدالمتن عندالعلماءالحدیث النبوی، بیروت، دار الوفاق الجدیده.
۱۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۰۷ ق، صحیح بخاری، بیروت، دارالقلم.
۱۵. ---------- ، بی‌تا، تاریخ کبیر، بیروت، دارالفکر.
۱۶. بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، ۱۳۴۹ق، تاریخ بغداد، قاهره، مطبعه‌السعاده.
۱۷. بهبودی، محمد باقر، ۱۳۷۸ش، علل الحدیث، تهران، انتشارات سنا.
۱۸. جعفریان، رسول، ۱۳۶۸، مقدمه ای بر تاریخ تدوین حدیث، قم، انتشارات فؤاد.
۱۹. --------- ، ۱۳۷۳، تاریخ تحول دولت و خلافت، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.
۲۰. جواد علی، ۱۹۶۸م، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. بیروت، دارالعلم للملایین.
۲۱. حاج حسن، ۱۴۰۵ق، نقدالحدیث فی علم الروایه و علم الدرایه، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۲. حاکم نیشابوری، محمدبن عبدالله، ۱۴۲۰ق، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، المکتبه‌العصریه.
۲۳. حسینی جلالی، سیدمحمدرضا، ۱۳۷۶، تدوین‌السنه‌الشریفه، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۴. حرّانی، ابن شعبه، بی‌تا، تحف‌العقول، قم، انتشارات اسلامی.
۲۵. دشتی، علی،۱۳۸۲، ترجمه نهج البلاغه، تهران، انتشارات مکتب اسلامی.
۲۶. رفیعی محمدی، ناصر، ۱۳۹۰، درسنامه وضع حدیث، چاپ دوم، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۲۷. ری‌شهری، محمد، ۱۳۷۵، اهل البیت فی الکتاب و السنه، قم، دارالحدیث.
۲۸. سجستانی، سلیمان بن اشعث، بی تا، سنن ابی داوود، بیروت، المکتبه العصریه.
۲۹. سیوطی، جلال‌الدین، اللئالی‌المصنوعه فی احادیث‌الموضوعه، بی‌تا، بیروت، دارالکتب‌العلمیه.
۳۰. ---------- ، تاریخ‌الخلفاء، ۱۴۲۰ق، چاپ چهارم، بیروت، دارالمعرفه.
۳۱. صبحی صالح، ۱۳۶۳، علوم الحدیث و مصطلحه، قم، منشورات رضی.
۳۲. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۳، من لا یحضره الفقیه، تهران، نشر صدوق.
۳۳. طباطبایی، سید کاظم، ۱۳۷۶، مسند نویسی در تاریخ حدیث، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۴. طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۹۲، مشکاه‌الانوار فی غررالاخبار، ترجمه مهدی هوشمند، دارالثقلین.
۳۵. عسکری، سیدمرتضی، ۱۳۸۲، نقش ائمه در احیای دین، قم، انتشارات منیر.
۳۶. ------- ، ۱۳۷۵، چاپ هشتم، نقش عایشه در تاریخ اسلام، تهران، انتشارات دانشکده اصول دین.
۳۷. -------- ، ۱۳۷۸، چاپ سوم، یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ترجمه عطا محمد سردارنیا، قم،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]

انتشارات دانشکده اصول دین.
۳۸. فتنی، محمد طاهر بن علی الصدیقی الهندی، ۱۳۴۳ش، تذکرةالموضوعات، إدارة الطباعة المنیریه.
۳۹. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۳۷۸، المحجة البیضاء، قم: انتشارات اسلامی.
۴۰. کلینی، ابوجعفرمحمد بن یعقوب بن اسحاق رازی، ۱۳۶۲، الفروع فی الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. مالک بن انس، ۱۴۰۶ق، الموطأ، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۲. مدیرشانه چی، کاظم، ۱۳۷۴، علم الحدیث و درایه الحدیث، قم، تهرا، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۳. ----------، ۱۳۷۷، تاریخ حدیث، تهران، انتشارات سمت.
۴۴. مسعودی، عبدالهادی، ۱۳۹۳، چاپ سوم، وضع و نقد حدیث، تهران، انتشارات سمت.
۴۵. مسلم بن حجاج، ۱۴۰۳ق، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، دارالحدیث.
۴۶. معارف، مجید، ۱۳۸۶، تاریخ عمومی حدیث، تهران، انتشارات کویر.
۴۷. نجمی، محمدصادق، ۱۳۶۷، سیری در صحیحین، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۸. هروی، ملاعلی قاری، ۱۴۱۴ق، المصنوع فی معرفه‌الموضوع، حلب، مکتبه المطبوعات‌الاسلامیه.
۴۹. هندی، محمد طاهر بن علی، بی‌تا، چاپ سوم، تذکرةالموضوعات، بیروت، دارالکتب‌العربی.
۵۰. هیثمی، علی‌بن ابی‌بکر، ۱۴۱۲ق، مجمع‌الزوائد و منبع‌الفوائد، تحقیق: عبدالله محمد درویش، بیروت، دارالفکر.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.13.7]